**مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی**
**شماره‌های ۱ و ۲، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۰، صفحات ۹۰ - ۶۳**

# الزامات مدیریت واردات در کشور

راضیه حیدری مطلق[۱]

**امروزه تجارت به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل رشد اقتصادی کشورها مورد توجه قرار می‌گیرد. کشورهایی که با محوریت قرار دادن موضوع تجارت خارجی در کشور خود موفقیت‌هایی کسب کرده‌اند نخست سیاست جایگزینی واردات و سپس سیاست توسعه صادرات را اتخاذ نموده و توانسته‌اند رشد اقتصادی چشمگیری را تجربه نمایند. کشور ما نیز برای کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و در امان نگه‌داشتن اقتصاد از آسیب‌های ناشی از اقتصاد تک محصولی پس از یک دوره اتخاذ سیاست جایگزینی واردات از آغاز برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹) به سیاست توسعه صادرات غیرنفتی روی آورد و در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه اقتصادی با محوریت قراردادن توسعه صادرات غیرنفتی رویکرد برون‌نگر مورد توجه قرار گرفت. این مقاله با توجه به نقش تجارت خارجی در رشد و توسعه کشورها و نگاهی اجمالی به نظریات موافق و مخالف در زمینه تجارت خارجی رویکرد تجاری کشور را طی سه دهه ۱۳۶۰، ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ مورد بررسی قرار داده است و نتایج حاصل از استراتژی‌های بکار گرفته شده حاکی از توجه به بخش صادرات غیرنفتی و کنار ماندن بخش واردات کشور دارد و این موضوع موجب شد تا واردات طی سال‌های اخیر به شدت افزایش یابد حال آنکه واردات می‌بایست به عنوان یک بخش مؤثر در صادرات غیرنفتی مورد توجه قرار گیرد. بدیهی است در خدمت گرفتن بخش واردات کشور با هدف افزایش صادرات غیرنفتی اهداف توسعه اقتصادی و افزایش درآمدهای ارزی و کاهش وابستگی به درآمد نفت را می‌تواند محقق نماید درحالی که واردات کشور بیش از آنکه در تولیدات صادرات‌گرا مؤثر باشد به بازار داخلی معطوف بوده است. بنابراین، در این شرایط و نظر به عمیق‌تر شدن شکاف میان واردات و صادرات غیرنفتی مدیریت واردات کشور ضرورتی انکارناپذیر گردید که الزامات آن و چگونگی تحقق اهداف مدیریت واردات در این گزارش مورد توجه قرار گرفته است.**

**واژه‌های کلیدی:** مدیریت واردات، صادرات غیرنفتی، تجارت آزاد، جایگزینی واردات.

۱. رئیس گروه تحقیقات و سیاست‌های بازرگانی. rmotlagh@yahoo.com

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

## ۱. مقدمه

تئوری‌های کلاسیک توسعه همواره بر نقش تجارت خارجی در توسعه اقتصادی تأکید داشته‌اند با این حال این تئوری‌ها بعضاً از سوی اقتصاددانان ساختارگرا و نئومارکسیست مورد انتقاد قرار گرفته است و در این میان اتکا کشورهای در حال توسعه به صدور موادخام و محصولات کشاورزی به عنوان یکی از دلایل کارکرد چندتوسعه‌ای تجارت مدنظر قرار داشته است. از این منظر اقتصاد متکی به درآمدهای نفتی و آسیب ناشی از اقتصاد تک محصولی در کشورهای در حال توسعه‌ای همچون ایران باعث گردید تا پیش از پیروزی انقلاب استراتژی‌های جایگزینی واردات در قانون مورد توجه واقع گردد و از آغاز برنامه سوم توسعه پس از انقلاب موضوع تغییر ساختار تجارت خارجی مورد توجه قرار گرفت. در همین راستا از برنامه سوم توسعه کشور به بعد با محوریت قرار دادن توسعه صادرات غیرنفتی سیاست‌های تجاری تدوین و به مورد اجرا گذاشته شد.

آزادسازی تجاری با هدف توسعه صادرات که از برنامه سوم توسعه شتاب بیشتری به خود گرفت موجب گردید تا صادرات غیرنفتی با بهبود نسبی مواجه گردد، اما در عین حال واردات کشور در پرتو سیاست‌های اتخاذ شده با روند صعودی روبرو شد که در دهه ۱۳۸۰ این روند شدت بیشتری به خود گرفت. در پرتو این تحولات، ارزش واردات کالایی کشور که در آغاز برنامه سوم توسعه حدود ۱۴ میلیارد دلار (سال آغاز برنامه ۱۳۷۹) بود به ۳۵/۴ میلیارد دلار در سال پایانی برنامه سوم (سال ۱۳۸۳) افزایش یافت و با سیر صعودی به ۵۵/۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۸ افزایش یافت. با عمیق‌تر شدن شکاف میان واردات و صادرات غیرنفتی به نظر می‌رسد که اقتصاد کشور در مقابل نوسان‌های درآمدهای نفتی آسیب‌پذیرتر شده و این امر می‌تواند آثار سوئی را متوجه ثبات بازار مالی و نرخ‌های ارز نماید از این رو، می‌بایست علاوه بر تغییر ساختار صادرات غیرنفتی به سمت کالاهایی با ارزش‌افزوده بیشتر از طریق سمت و سو بخشیدن به واردات کشور واردات است. از سوی دیگر، اگرچه افزایش واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای ضامن ثبات تولید و صادرات در کشور نیز مورد مدیریت قرار گیرد در حال حاضر افزایش سهم و ارزش کالاهای مصرفی در ترکیب واردات کشور حائز آثار سوء بر برخی صنایع داخلی بوده و می‌تواند آثار محدودکننده‌ای بر فرایندهای رشد داشته باشد. براساس آمار گمرک ایران، ارزش واردات کالاهای مصرفی از ۳۷۸۵ میلیون دلار در سال ۱۳۸۳ (سهم ۱۰/۷ درصدی از کل واردات) به ۸۴۴۵ میلیون دلار (سهم ۱۵/۳ درصدی از کل واردات) در سال ۱۳۸۸ افزایش یافته است و ارزش واردات کالاهای مصرفی طی

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

مدت ۵ سال برنامه چهارم ۱۲۳ درصد رشد داشته این در حالی است که کل واردات طی این مدت با ۵۶ درصد رشد همراه بوده است.

## ۲. نقش تجارت خارجی در رشد و توسعه

تجارت خارجی نقش قابل ملاحظه‌ای در توسعه اقتصادی دارد. اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک اهمیت ویژه‌ای برای تجارت خارجی در روند توسعه قائل هستند و از آن به مثابه موتور رشد اقتصادی نام می‌برند. در حالی که اقتصاددانان رادیکال معتقدند که از لحاظ تاریخی ثابت شده که تجارت خارجی تنها به تشدید نابرابری‌های بین‌المللی منجر می‌شود به طوری که کشورهای غنی، غنی‌تر و کشورهای فقیر، فقیرتر می‌گردند (قره‌باغیان، ۱۳۷۳).

### ۲-۱. نظریات تجارت بین‌الملل

#### ۲-۱-۱. موافقین تجارت آزاد

از زمان آدام اسمیت و دیوید ریکاردو دو اقتصاددان بزرگ مکتب کلاسیک تاکنون بحث نظریه‌های تجارت بین‌الملل همواره در متون اقتصادی مطرح بوده است. نظریه‌های برتری مطلق (اسمیت) و برتری نسبی (ریکاردو) پایه‌های اصلی نظریه تجارت بین‌الملل را شکل می‌دهند. البته قبل از این نیز نظریاتی در خصوص تجارت بین‌الملل مطرح شده بود اما در این نظریات، تجارت رابطه‌ای تلقی می‌شد که به سود یکی و به زیان دیگری بود. مرکانتیلیست‌ها معتقدند تا جایی که به عنوان راهنمای محل استعمارگران اروپا، ایجاد مستعمرات را تشویق می‌کردند و تجارت را یک بازی جمع صفر تلقی می‌کردند که به زیان یکی و به نفع دیگری است.

در توجیه اقتصادی تجارت اولین قدم را آدام اسمیت برداشت. آدام اسمیت مبنای تحلیل از اقتصاد و تجارت را بر تقسیم‌کار و تخصص نهاد. وی بیان کرد که تقسیم‌کار جهانی هزینه تولید را کاهش و باعث تخصیص بهتر منابع می‌شود. بنابراین، به جای آنکه ملت‌ها به خودکفایی ادامه دهند یا برای رسیدن به آن تلاش کنند به نفع آنها است تا از تولید کالاها و خدماتی که آنها را گرانتر از دیگران تولید می‌کنند صرفنظر کنند. نظریه مزیت مطلق بر این اساس پایه‌ریزی شده که یک کشور می‌بایست کالاهایی را تولید و صادر نماید که بتواند تولید آن را به صورت مطلق و با هزینه کمتری نسبت به تولید همین کالا در کشور دیگر صورت دهد. از دیدگاه اسمیت این تقسیم کار به سود هر دو کشور درگیر در تجارت خواهد بود، زیرا مزایای تقسیم‌کار و تخصص، تولید بیشتر و کم هزینه‌تر هر دو محصول را میسر می‌سازد.

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

ریکاردو تجارت بین‌الملل را در چارچوب نظریه اصلی ارزش کار خود مورد تحلیل قرار داد و نظریه معروف مزیت نسبی را ارائه کرد. از این رو، توانست از آدام اسمیت بسیار فراتر رفته و مزیت تجارت آزاد بر عدم تجارت را نه تنها در شرایط قیمت‌های ارزان‌تر و گران‌تر کالا در دو کشور بلکه در قیمت‌ها و هزینه‌های نسبی تولید آنها جست و جو کند. در چارچوب نظریه ارزش کار هزینه تولید به وسیله کار تعیین می‌شود و ریشه اختلاف در هزینه نسبی اساساً اختلاف در تخصص و کیفیت کار تولیدی می‌باشد. نظریه برتری نسبی بر این مبنا پایه‌ریزی شده که یک کشور می‌بایست در تولید و صادرات کالایی تخصص یابد که بتواند آن کالا را به طور نسبی با پایین‌ترین هزینه تولید کند. بر اساس این اصل، تجارت تمام کشورها را قادر می‌سازد که از محدوده منابع خود فراتر رفته و کالاهایی را مصرف نمایند که خارج از مرز امکانات تولید آنها می‌باشد. بنابراین، نظریه تجارت آزاد بین‌الملل به نفع تمام کشورها خواهد بود. با توجه به اینکه هر کشور در تولید کالای خاصی تخصص می‌یابد، تولید جهانی به حداکثر خواهد رسید.

در نظریه اولیه برتری نسبی، تولید تابع یک متغیر ایستا یعنی کار بوده و بنابراین هزینه تولید را تنها هزینه نیروی کار تشکیل می‌دهد البته پس از اینکه نظریه ارزش کار اعتبار خود را از دست داد. نظریه مزیت نسبی در نیمه اول قرن ۲۰ توسط دو اقتصاددان سوئدی به نام هکچر[1] و اوهلین[2] تعدیل و تصحیح شد. آنها با منظورکردن تفاوت‌های مربوط به عرضه عوامل تولیدی (کار، زمین، سرمایه) نظریه نئوکلاسیک بهره‌مندی از عوامل تولید را جانشین نظریه ایستای هزینه‌های نسبی نمودند. این نظریه با کار ساموئلسن در ارتباط با نظریه برابرسازی قیمت عوامل تولید و همچنین تلاش‌های دیگر اقتصاددانان به تدریج بسط و گسترش بیشتری یافت. بر اساس نظریه بهره‌مندی از عوامل تولید، کشورهایی که دارای نیروی کار بیشتری در مقایسه با سرمایه هستند باید در تولید کالاهایی تخصص یابند که به طور نسبی به نیروی کار بیشتری نیازمند است و برعکس کشورهایی که دارای سرمایه بیشتر هستند می‌بایست در تولید کالاهایی تخصص یابند که بطور نسبی به سرمایه بیشتری نیاز دارد.

بطور کلی براساس نظریه‌های اقتصادی، تجارت آزاد باعث شکل‌گیری تولید در کشورها بر پایه مزیت نسبی آنان می‌شود و این امر نیز منجر به تشویق تولید و صادرات کالاها و خدماتی می‌شود که با توجه به منابع موجود در کشور با هزینه کمتر تولید می‌شوند و واردات جایگزین تولیدات داخلی کالاها و خدماتی می‌شود که در این کشورها با توجه به منابع و امکانات موجود گرانتر تولید می‌گردند. به عبارت دیگر، برقراری تجارت آزاد منجر به شکل‌گیری نظام تولید

1. Hecsher
2. Ohlin

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

کشورها بر پایه مزیت نسبی می‌شود و به تبع آن از منابع موجود در کشور به نحو کاراتری استفاده خواهد شد. همچنین در توجیه اقتصادی کاهش موانع تجاری می‌توان گفت که اگر کشوری موانع تجاری را کاهش دهد منافع اقتصادی آن نه تنها به طرف‌های تجاری آن کشور می‌رسد بلکه خود آن کشور نیز از این کاهش منتفع می‌شود زیرا مصرف‌کنندگان این کشور به کالاهای ارزانتر و بهتر دسترسی می‌یابند و تولیدکنندگان این کشور نیز تحت فشار رقابت کارایی بهتری خواهند یافت. بنابراین برقراری سیستم تجارت آزاد میان کشورها باعث همبستگی بیشتر و ادغام سریع‌تر اقتصادی کشورها خواهد شد (بهکیش، ۱۳۸۰).

### ۲-۱-۲. مخالفان تجارت خارجی

در نیمه دوم قرن ۲۰ موفقیت‌آمیز بودن تجارت آزاد مورد تردید قرار گرفت و اقتصاددانانی همچون پربیش، میردال و سینگر نظریه تجارت آزاد را مورد انتقاد قرار دادند. به اعتقاد آنان به استناد تجربیات تاریخی تجارت خارجی در کشورهای در حال‌توسعه باعث به تأخیر افتادن توسعه اقتصادی می‌شود.

میردال با تکیه بر آثار مخرب تجارت خارجی بر اقتصاد کشورهای در حال‌توسعه می‌گوید تجارت خارجی در جهت منافع کشورهای پیشرفته از نظر تکنولوژیک و بر خلاف منافع کشورهای توسعه‌نیافته عمل می‌کند. اقتصاددانان مکاتب ساختارگرا و نئوکلاسیک با تکیه بر قیمت نسبی کالاهای صادراتی به وارداتی و روند آن نشان دادند که همواره قیمت محصولات کشاورزی و موادخام در مقایسه با قیمت کالاهای با فناوری بالاتر که توسط کشورهای توسعه‌یافته عرضه می‌شوند در حال کاهش بوده و این روند منافع تجاری کشورهای در حال توسعه را از طریق تجارت آزاد خدشه‌دار کرده است. از آنجایی که کشورهای صنعتی کالاهای صنعتی را که در کشورهای در حال توسعه تولید می‌شود با قیمتی ارزانتر به کشورهای در حال توسعه عرضه می‌کنند موجبات نابودی صنایع کوچک در کشورهای در حال توسعه را به وجود می‌آورند.

## ۳. استراتژی جایگزینی واردات

راهبرد جایگزینی واردات که توسط این اقتصاددانان ترویج شد در چارچوب استراتژی‌های توسعه درون‌نگر قرار می‌گیرد. فرایندی که جانشینی واردات نامیده می‌شود برای صنعت یا صنایعی از خود کشور بازاری آماده بوجود آورد. در واقع کشورهای در حال توسعه با بکارگیری این سیاست بجای

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

روی‌آوردن به واردات صنایع از کشورهای صنعتی از فرآورده‌ها و تولیدات داخلی استفاده می‌کنند تا صنایع لازم را در داخل تولید نمایند.

استراتژی‌های توسعه درون‌نگر به طور خلاصه به استراتژی‌هایی اطلاق می‌شوند که جهت‌گیری تولید و ساختار آن در پاسخ به نیازهای داخلی و بازار داخلی تنظیم می‌شود. در این استراتژی تولید داخلی، سلیقه‌های مصرفی داخلی، کشش درآمد داخلی، سطح تقاضای داخلی، صنایع داخلی کشور و ... در کانون توجه قرار دارند و هدف آن است که به گونه‌ای جهت‌دهی شوند که استقلال اقتصادی، کاهش وابستگی و دفع تهدیدات خارجی حاصل شود. به همین دلیل عمدتاً ناظر به بهره‌برداری از امکانات و منابع داخلی کشور برای رسیدن به درجاتی از خودکفایی یا خوداتکایی است و در راستای این استراتژی، صنعتی‌شدن از طریق جایگزینی واردات دنبال می‌شود و تولید کالاهای پایه‌ای همچون فولاد، گندم، سیمان و ... تا تحقق استقلال کامل اقتصاد دنبال می‌گردد.

از الزامات این استراتژی ایجاد صنایع نوزاد و اعمال سیاست‌های حمایت‌گرایانه از آنها تا زمانی است که به مرحله بلوغ برسند. پس از بلوغ آنها امکان رقابت در صحنه بین‌المللی را پیدا کرده و حمایت موضوعیت خود را از دست می‌دهد. ابزارهای حمایتی در این سیاست یا معطوف به کالاهای رقیب است (مانند محدودیت واردات، تعرفه و ...) یا به افزایش مزیت کالای خودی است (مانند انرژی ارزان، وام‌های کم‌بهره، معافیت‌های مالیاتی و ...).

این استراتژی ابتدا توسط کشورهای آمریکای لاتین بکار گرفته شد. طی سال‌های (۱۹۷۰-۱۹۵۰) بسیاری از کشورهای در حال توسعه همچون هندوستان، پاکستان، ایران، کره جنوبی، آرژانتین، برزیل، مکزیک و ... سیاست جانشینی واردات را جهت توسعه اقتصادی و صنعتی‌شدن انتخاب نمودند. دلایل عمده اتخاذ این استراتژی از یک سو کاهش تقاضای جهانی برای کالاهای اساسی و مواد خام، کسری رو به تزاید تراز پرداخت‌ها و از سوی دیگر، تمایل به خودکفایی اقتصادی بوده است.

تجربه ثابت کرده است که این سیاست با توجه به هدف صنعتی‌شدن تنها در تعداد محدودی از کشورها موفقیت‌هایی به دنبال داشته است و در بسیاری از کشورها به وخیم‌تر شدن اوضاع منجر شده است. نرخ‌های بالای حمایت از صنایع در کشورهایی همچون هند، پاکستان، آرژانتین و برزیل موجب ناکارامدشدن صنایع داخلی و افزایش قیمت تولید برای مصرف‌کنندگان داخلی گردید.

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

از مهم‌ترین آفات این استراتژی نیز می‌توان به مخاطرات ناشی از ضعف و فساد ساز و کار حمایتی در داخل و دامپینگ (کاهش کاذب، غیرواقعی و کوتاه‌مدت قیمت کالا برای به دست آوردن انحصار) و تبلیغات رقبا در خارج اشاره کرد.

### ۳-۱. دلایل عمده شکست استراتژی توسعه جایگزینی واردات در برخی کشورها

- استراتژی توسعه جایگزینی واردات اساساً یک استراتژی حمایتی است و این موضوع سبب می‌گردد تا با حمایت از برخی از صنایع داخلی که این حمایت‌ها در دوره طولانی مدت صورت می‌گیرد و صنعت به آن عادت می‌کند توان رقابتی به شدت کاهش یافته و عملاً امکان نوآوری و ابداع در صنعت مذکور از بین برود.

- یکی از ابزار مورد عمل در کاربرد استراتژی مذکور اعمال محدودیت‌های وارداتی از طریق افزایش تعرفه‌ها می‌باشد و از آنجایی که تعرفه‌ها برای دولت درآمدزا هستند به تدریج دولت به این درآمدها وابسته می‌شود و برای دولت در مراحل بعدی توسعه که کاهش تعرفه ضروری است صرفنظر کردن از این درآمدها بسیار مشکل خواهد بود به همین دلیل گاهی حمایت‌ها افراطی و فاقد ساختار منطقی می‌گردد.

- از دیگر دلایل نامطلوب بودن استراتژی جایگزینی واردات، پرهزینه بودن این روش و عدم استفاده بهینه از منابع تولید است. در واقع، حمایت از یک صنعت با توجه به اینکه در مقیاس بزرگی تولید صورت نمی‌گیرد هزینه سرانه تولید را بالا می‌برد و این امر توجیه‌پذیری تولید کالا را در ابعاد بین‌المللی از بین می‌برد.

- استراتژی جایگزینی واردات چنانچه در صنایع وسیعی بکار گرفته شود نتایج مطلوبی نخواهد داشت و یکی از دلایل عدم موفقیت این استراتژی کاربرد سیاست‌های حمایتی عام و بدون تبعیض بوده است در حالی‌که باید میان صنایع بالغ و صنایع نوزاد تفکیک قائل شد.

- از دلایل مهم دیگری که به عنوان عامل شکست این استراتژی توسعه برشمرده می‌شود غفلت از صادرات است، زیرا این استراتژی یک استراتژی درون‌نگر است و چنانچه تولیدات و صنایع مورد حمایت معطوف به بازار داخلی باشند هیچ موفقیتی را برای کشور به ارمغان نخواهند آورد ضمن اینکه انگیزه‌ای برای رقابت با کالاهای مشابه داخلی بوجود نخواهد آمد. در حالی که اگر الزام به فروش و عرضه کالاها در بازارهای بین‌المللی وجود داشته باشد و حمایت از صنایع

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

صادرات‌گرا صورت پذیرد می‌توان به بهبود کیفیت و یا کاهش قیمت و افزایش توان رقابتی در صنعت مورد نظر امیدوار بود.

- یکی دیگر از مسائلی که در بکارگیری این استراتژی بوجود می‌آید و خاص هرگونه حمایتی است وجود رانت‌های فراوانی است که عملاً باعث انحراف سبدهای حمایتی به نفع گروه‌های فشار می‌گردد.

## ۴. رویکرد تجاری کشور طی سه دهه ۱۳۶۰، ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰

در دهه ۱۳۶۰ که دهه استقرار نظام جمهوری اسلامی است مجموعه‌ای از چالش‌های داخلی و خارجی شرایطی را در کشور فراهم آورد که از جهت سیاست‌های تجاری و مناسبات برون‌مرزی وجه غالب آن درون‌نگر و انزوای اقتصادی بود. منازعات دیپلماتیک با آمریکا و غرب و مسدودشدن دارایی‌های خارجی، خطر اقتصادی تحریم‌های تجاری، جنگ ایران و عراق و تبعات آن بر کاهش صادرات نفت و افزایش نیازهای وارداتی مرتبط با جنگ، نوسان‌های بازار نفت و آثار آن که به شکل تضییقات ارزی ظاهر شد، فرار سرمایه ناشی از فضای سیاسی – اقتصادی داخلی و کاهش دسترسی به بازارهای سرمایه جهانی، غلبه دیدگاهی همچون نگرش به استقلال اقتصادی، خودکفایی، خود اتکایی و ... در شکل‌گیری نظام تجارت خارجی طی این دهه تأثیرگذار بوده است و ناگزیر نظام مبادلات خارجی کشور از شکل نسبتاً آزاد پیشین به سیستمی محدود مبدل گردید.

برقراری موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای اعمال محدودیت‌ها و کنترل‌های تجاری، سهمیه‌بندی‌های ارزی با اتکا به نظام چندنرخی و مکانیزم‌های تخصیص ارز، بکارگیری شیوه‌های گزینشی و عمدتاً مبتنی بر ملاحظات سیاسی در انتخاب طرف‌های تجاری و روند افزایشی سهم دولت در تجارت خارجی از جمله روندها و گرایش‌های اصلی در تحولات نظام تجارت خارجی طی دهه ۱۳۶۰ است.

بنابراین در دوره بعد از انقلاب رویکرد بارز دولت حمایت صریح از تولیدات داخلی و مصنوعات داخلی بود. این رویکرد با هدف توسعه درون‌نگر، کاهش اتکا به واردات کالاهای خارجی را از طریق وضع موانع غیرتعرفه‌ای دنبال می‌کرد. محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای به شکل ایجاد مراکز تهیه و توزیع کالا و الزامی‌نمودن کسب مجوز واردات از یک یا تعدادی وزارتخانه مورد استفاده قرار گرفت.

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

با پایان جنگ و آغاز برنامه ۵ ساله توسعه اقتصادی و همچنین ادامه رویکرد مشابه در سال‌های برنامه دوم توسعه در کشور اقداماتی در جهت یکسان‌سازی نرخ ارز و آزادسازی تجاری به عمل آمد، اما با بروز بحران بدهی‌های خارجی در اوایل دهه ۱۳۷۰ و بروز نوسان‌های شدید در بازارهای مالی کشور در سال‌های۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ کنترل‌های تجاری و ارزی مجدداً برقرار گردید. نکته حائز اهمیت این است که استراتژی کلی برنامه اول توسعه همچنان ناظر بر سیاست‌های محدودکننده واردات و تشویق صادرات بود به عبارت دیگر، استراتژی تجاری جایگزینی واردات در عین حال و تشویق صادرات به طور همزمان مورد توجه قرار گرفته بود. در زمینه واردات نیز اهداف کیفی متعددی در نظر گرفته شد از جمله:

- تأمین به موقع نیازهای وارداتی کشور در راستای اهداف برنامه
- اصلاح ترکیب و ساختار واردات در راستای تحقق اهداف برنامه
- بهبود رابطه مبادله تجارت خارجی کشور
- اصلاح مقررات عمومی صادرات و واردات و بهبود روش‌های کنترل و اجرا
- تلاش در جهت ایجاد توازن بیشتر در تراز بازرگانی خارجی کشور

با این حال در برنامه دوم هدف کلان تلاش در جهت کاهش وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای حاصل از نفت و صدور بیش از پیش صادرات غیرنفتی عنوان گردیده بود که این امر به معنای لزوم دستیابی به رشد صادرات غیرنفتی بود.

در این برنامه در ارتباط با سیاست تجارت خارجی اهدافی همچون ایجاد شرایط تجلی مزیت‌های نسبی کشور در سطح بین‌الملل و ایجاد رقابت در صحنه تولیدات با دنیای خارج به منظور ایجاد شرایط توسعه کمی و کیفی تکنولوژی داخلی و ایجاد ابداعات نیز مورد تأکید قرار گرفته بود.

با این حال با کاهش قیمت نفت و بروز بحران بدهی‌های خارجی در سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ عملاً از آغاز برنامه دوم توسعه مجدداً کنترل‌های ارزی و تجاری با رویکرد محدودکردن واردات و به منظور بازپرداخت بدهی‌های خارجی کشور مورد توجه قرار گرفت و این روند تا سال ۱۳۷۹ که موضوع بحران بدهی‌ها مرتفع گردید، ادامه یافت.

با مهار بحران بدهی‌های خارجی تا حدی کنترل‌های ارزی و تجاری سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ کاهش یافت و عملاً از اواخر دهه ۱۳۷۰ با آغاز برنامه سوم توسعه تدوین استراتژی توسعه صادرات و انجام اصلاحاتی در بخش تجارت خارجی مورد توجه قرار گرفت. در سال‌های اجرای برنامه سوم

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

توسعه که از سال ۱۳۷۹ آغاز گردید برای تسهیل تجارت و مقررات‌زدایی از صادرات غیرنفتی اقداماتی انجام شد که معافیت صادرات کالا و خدمات از پیمان‌سپاری ارزی، معافیت تمام کالاها و خدمات از هرگونه عوارض و مالیات و بازپرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی مواد اولیه و واسطه‌ای کالاهای وارداتی مورد استفاده در تولید کالاهای صادراتی از جمله این اقدامات محسوب می‌شود. یکسان‌سازی نرخ ارز مهم‌ترین تحول در سیاست ارزی طی سال‌های اولیه دهه ۱۳۸۰ می‌باشد. در این سال‌ها عمده اقدامات مورد عمل در حوزه تجارت خارجی با محوریت و هدف توسعه صادرات غیرنفتی صورت پذیرفت. در واقع، آزادسازی توأمان در صادرات و واردات با هدف توسعه صادرات غیرنفتی و افزایش سهم تجارت کشور در تجارت بین‌المللی مورد توجه و عمل قرار گرفت.

عمده سیاست‌های وارداتی طی برنامه سوم توسعه را می‌توان چنین عنوان کرد (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۵):

در سال ۱۳۸۱ به منظور هماهنگی بیشتر میان سیاست‌های ارزی و تجاری، عوارض گمرکی و سود بازرگانی مربوط به واردات کالاها با توجه به نرخ جدید ارز و اهداف سیاستگذار در زمینه واردات تغییر کرد. همچنین شرایط جدیدی جهت استفاده از خطوط اعتباری کوتاه‌مدت (ریفانیانس) برای واردکنندگان فراهم گردید که براساس آن واردات قطعات یدکی و ماشین‌آلات تولیدی برای بخش غیردولتی از طریق خطوط اعتباری کوتاه‌مدت مجاز اعلام شد (بخشنامه شماره ۶۰/۱۱۸۹ مورخ ۱۳۸۰/۱۲/۲۲ بانک مرکزی و مصوبه ۲۰۰/۵۲۸۳ مورخ ۱۳۸۱/۱/۱۶ اداره کل مقررات صادرات و واردات وزارت بازرگانی). علاوه بر این، در اجرای بند ب تبصره ۱۹ قانون بودجه سال ۱۳۸۱ واردات ماشین‌آلات خط تولید سرمایه‌گذاران داخلی از شمول پرداخت حق ثبت سفارش معاف اعلام گردید (بخشنامه شماره ۶۰/۱۰۱۲ مورخ ۱۳۸۱/۲/۱۴ بانک مرکزی) و فهرست تعرفه‌های مذکور نیز اعلام شد. همچنین، به منظور تسهیل واردات کالاهای مجاز و مقابله با پدیده قاچاق کالا، فهرست کالاهای قابل ورود به صورت بدون انتقال ارز با انجام ثبت سفارش منتشر شد. در برنامه سوم به منظور ایجاد ثبات در بخش خارجی، تأسیس حساب ذخیره ارزی در نظر گرفته شد و سپس برای توسعه تجارت دولت را موظف ساخت تا موانع غیرتعرفه‌ای و غیرفنی برای تجارت را حذف نماید. در همین راستا قانون تجمیع عوارض مورد تصویب قرار گرفت.

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

عمده سیاست‌های تجاری در برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۹-۱۳۸۴):
اتخاذ استراتژی برون نگر و تداوم سیاست جهش صادراتی که در برنامه سوم توسعه آغاز گردیده بود سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه در بخش تجارت خارجی را تشکیل می‌دهد.

سیاست‌های این بخش از اقتصاد که در فصل دوم قانون برنامه چهارم توسعه تحت عنوان تعامل با اقتصادجهانی آمده کلیاتی با مضمونی که در ادامه بیان می‌گردد را شامل می‌شود و طبق آن تکالیفی برای دولت معین شده است:

به منظور نوسازی و روان‌سازی تجارت، افزایش سهم کشور در تجارت بین‌الملل، توسعه صادرات کالاهای غیرنفتی و خدمات، تقویت توان رقابتی محصولات صادراتی کشور در بازارهای بین‌المللی و به منظور گسترش کاربرد فناوری ارتباطات و اطلاعات در اقتصاد، بازرگانی و تجارت در قالب سند ملی بازرگانی کشور دولت مکلف به انجام اقداماتی همچون تجهیز مبادی و مجاری ورودی کشور، توسعه ترانزیت و عبور آزاد و سریع تمام کالاها، هدفمندسازی یارانه‌ها و جوایز صادراتی در قالب حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم، افزایش سرمایه صندوق ضمانت صادرات، گسترش پوششی بیمه‌ای برای صادرات، ممنوعیت برقراری هرگونه مالیات و عوارض برای صادرات، ایجاد توازن تجاری با کشورهای طرف مبادله، اصلاح نظام اجرایی بازارچه‌ها و مبادلات مرزی، حذف تمام موانع غیرتعرفه‌ای و غیرفنی و وضع نرخ‌های معادل تعرفه‌ای با زمان‌بندی معین.

در راستای اجرای سیاست‌های تدوین‌شده در قالب برنامه چهارم اقدامات مؤثری در جهت تحقق اهداف برنامه صورت پذیرفت و برنامه‌های مورد عمل با محدودیت صادرات و با هدف رشد صادرات غیرنفتی صورت پذیرفت که برخی از این اقدامات به شرح ذیل می‌باشد:

- بازنگری در قانون مقررات صادرات و واردات و قانون امور گمرکی با هدف تسهیل جریان صادرات و واردات
- تصویب آیین‌نامه اقدامات ضد قیمت‌شکنی، حمایتی و جبرانی
- تصویب قانون ساماندهی مبادلات مرزی در سال ۱۳۸۴
- تهیه و تصویب دستورالعمل اجرایی پرداخت جوایز و مشوق‌های حمایتی صادرات غیرنفتی و هدفمندسازی آن از طریق اعمال ضرایب اهمیت ارزش افزوده بالاتر، فناوری بالاتر، تنوع در صادرات، تنوع در بازارهای هدف و...
- معافیت صادرات از پرداخت مالیات
- آیین‌نامه حمایت از صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

- افزایش پوشش بیمه‌ای ناشی از نوسان‌های ریسک صادرکنندگان
- کاهش نرخ سود تسهیلات صادراتی
-تأمین بخشی از هزینه‌های فراروی صادرات از جمله بازاریابی، برگزاری نمایشگاه، شرکت در نمایشگاه‌های خارجی، حمل و نقل و ...
- بخشودگی تعهدات معوق پیمان ارزی
- تشکیل میزهای تخصصی همچون فرش، زعفران، گل و گیاه و ...

با وجود اقدامات مؤثر صورت‌گرفته در عین حال اقداماتی نیز طی این دوره انجام گرفت که کاملاً در تضاد با سیاست‌های مدنظر در قانون برنامه چهارم بود که از جمله این موارد می‌توان به ممنوعیت صدور برخی از کالاها به صورت موردی و مقطعی طی دوره برنامه چهارم، وضع عوارض صادراتی برای برخی از کالاهایی که لزوماً فراوری نشده نیز محسوب نمی‌شوند، افزایش تعرفه‌ها و تصویب قانون افزایش بهره‌وری کالاهای کشاورزی که با تصویب این قانون اختیارات گسترده‌ای در حوزه واردات به وزارت جهادکشاورزی ارائه شده از جمله مسئولیت تعیین تعرفه‌ها و الزامی‌نمودن دریافت مجوز واردات از این وزارتخانه، اعلام ممنوعیت و محدودیت واردات و ثبت سفارش و ... اشاره نمود. موارد عنوان‌شده که به نوعی اعمال کنترل و محدودیت‌هایی در تجارت خارجی و نیز بکارگیری موانع غیرتعرفه‌ای است به عبارتی بازگشت به موضع قبلی در بخش تجارت خارجی محسوب می‌گردند.

## ۵. روند واردات طی سه دهه ۱۳۶۰، ۱۳۷۰، ۱۳۸۰

– واردات کالا که در پی افزایش درآمدهای نفتی از اواخر دهه ۵۰ به شدت رو به تزاید نهاده بود. از سال ۱۳۶۲ در پی تحولات بوجود آمده از جمله وقوع جنگ، تحریم‌های خارجی، کاهش درآمدهای نفتی و جو فرار سرمایه و خروج ارز از کشور و متعاقب آن اعمال سیاست‌های تحدیدی باکاهش مواجه گردید و این روند نزولی تا سال ۱۳۶۸ و آغاز اولین برنامه پنج ساله توسعه بعد از انقلاب ادامه داشت. مجموع واردات که در سال ۱۳۶۰، ۱۳/۵ میلیارد دلار بود در انتهای سال ۱۳۶۷ به ۸/۲ میلیارد دلار کاهش یافت و طی این مدت ارزش واردات به استثناء سال ۱۳۶۲ که تسهیلاتی درخصوص واردات مواد اولیه و واسطه‌ای به جهت افزایش تولید و راه اندازی صنایع در نظر گرفته شد همواره دارای روند نزولی بود.

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

– از اواخر دهه ۶۰ همزمان با پایان جنگ تحمیلی و آغاز برنامه پنج ساله اول تحولاتی عمده در سیاست‌های ارزی و بازرگانی کشور در جهت آزادسازی تجاری به وقوع پیوست و کنترل‌های وارداتی کاهش یافت. حذف تدریجی محدودیت در واردات توأم با بهبود درآمدهای نفتی و تأمین مالی خارجی سبب شد تا واردات در سال ۱۳۶۸ به میزان ۵۶/۶ درصد نسبت به سال پیش رشد یابد و سیر صعودی واردات با تداوم سیاست‌های اتخاذشده تا سال ۱۳۷۱ ادامه داشت، اما در سال ۱۳۷۲ دلایلی همچون تضییقات ارزی، بروز بحران بدهی‌های خارجی و نوسان‌های شدید نرخ ارز سبب شد تا مقررات تحدیدی برای واردات مجدداً اعمال شود. از این رو دراین سال و سال ۱۳۷۳ واردات کالا روندی کاهشی بخود گرفت.

– در طول برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸– ۱۳۷۴) اعمال سیاست‌های مختلف اقتصادی که به منظور کنترل هر چه بیشتر واردات به ویژه واردات کالاهای غیرضروری و مصرفی اتخاذ شد به همراه عواملی همچون کاهش درآمدهای ارزی و ضرورت بازپرداخت اقساط بدهی‌های برنامه قبل موجب گردید تا رشد واردات کشور در سطح پایین‌تری نسبت به رشد پیش‌بینی‌شده در برنامه قرار گیرد. به طوری که مجموع واردات کالا طی این دوره ۷۴/۶ درصد از اهداف برنامه را پوشش داد و میانگین رشد واردات در این دوره تنها ۱/۵ درصد بود در حالی که دردوره برنامه اول توسعه (۱۳۷۲–۱۳۶۸) این رقم معادل ۱۹/۶۰ درصد بوده است.

– بطور کلی واردات کشور از آغاز دهه ۱۳۷۰ تا پیش از سال ۱۳۷۹ (سال آغاز برنامه سوم) روندی پرنوسان اما نزولی داشته است. در حقیقت ارزش واردات از ۲۹/۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۱ به ۱۲/۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۸ کاهش یافت و مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده واردات، منابع ارزی در دسترس کشور بوده است به این معنا که با افزایش درآمدهای نفتی و تأمین مالی خارجی واردات افزایش یافته و با کاهش درآمدهای نفتی و قبض در تأمین مالی خارجی و در نتیجه اعمال سیاست‌های کنترلی واردات نیز کاهش یافته است.

– از سال ۱۳۷۹ روند واردات یک حرکت بی‌وقفه صعودی را آغاز کرده است و بزرگترین جهش وارداتی در سال ۱۳۸۲ اتفاق افتاده است که واردات نسبت به سال قبل بیش از ۳۴ درصد افزایش یافته است. به عبارت دیگر، طی دوره چهار ساله (۱۳۸۳–۱۳۸۰) واردات کشور ۵/۲ برابر شده است و بطور متوسط بیش از ۲۵ درصد رشد یافته است که این امر تا حد زیادی ناشی از رشد درآمدهای نفتی و رفع تضییقات تأمین مالی خارجی بوده است.

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

– آزادسازی تجاری و رفع محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای واردات و آزادشدن ورود تمام کالاها به کشور به همراه ثبات نسبی نرخ ارز طی سال‌های برنامه (۱۳۸۳-۱۳۷۹) به همراه افزایش درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت رشد نسبتاً بالای واردات را طی این سال‌ها رقم زده است. اما روند صعودی بی‌وقفه واردات در دهه ۱۳۸۰ را صرفنظر از رشد درآمدهای نفتی می‌توان معلول دلایل دیگری همچون موارد زیر دانست:

- آزادسازی تجاری و آزاد شدن ورود تمام کالاها به کشور

- تسهیل واردات به منظور تأمین کالاهای مورداستفاده در تولیدات صادراتی و انجام اقداماتی همچون صدور مجوز واردات برخی کالاها بدون ثبت سفارش، استرداد حقوق گمرکی کالاهای وارداتی مورد استفاده در تولید صادرات و...

- رفع محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای و تصویب قانون تجمیع عوارض

- تثبیت نرخ ارز که این سیاست با توجه به وجود تورم دو رقمی در کشور سبب شد تا هر سال قیمت نسبی کالاهای خارجی نسبت به کالاهای داخلی ارزان‌تر جلوه نماید و درنتیجه حاشیه سود واردات کالا به کشور افزایش یابد.

- تغییر طرف‌های تجاری و مبادلات بیشتر به ویژه با کشور چین که عرضه‌کننده کالاهای با کیفیت پایین‌تر و ارزانتر است.

- وقوع بحران مالی بین‌المللی از سال ۱۳۸۶ و کاهش قیمت جهانی برخی از کالاها و ارزانترشدن این قبیل کالاهای وارداتی نسبت به کالاهای تولید داخلی و افزایش انگیزه واردات (بیشتر در مورد کالاهای مصرفی صدق می‌نماید).

- بکارگیری سیاست تسهیل واردات جهت مقابله با تورم داخلی و همچنین جبران کمبود داخلی عمدتاً ناشی از خشکسالی چند سال اخیر

- اعمال تحریم‌های خارجی که به تغییر طرف‌های مبادله و خرید از کشورهای ثالث درنتیجه افزایش هزینه‌های وارداتی و گرانترشدن قیمت برخی از کالاهای وارداتی انجامیده است و این خود موجب رشد ارزش واردات این کالاها شده است (بیشتر در خصوص کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای صدق می‌کند).

مجموعه عواملی که ذکر شد افزایش درآمدهای نفتی و شتاب‌گیری نرخ تورم داخلی همراه با تداوم سیاست تثبیت نرخ ارز سبب شد تا در سال ۱۳۸۷ میزان واردات به اوج خود برسد و از مرز ۵۵ میلیارد دلار فراتر رود.

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

## ۶. الزامات مدیریت واردات

افزایش بی‌رویه واردات کالاهای مصرفی و آسیب‌های ناشی گاهی غیرقابل جبران می‌باشد ضرورت تصمیم‌گیری در این خصوص و منطقی نمودن واردات کشور را بیش از پیش آشکار ساخته است.

در سال‌های اخیر زمینه صادرات غیرنفتی تصمیمات بسیاری اتخاذ شد و انجام اقداماتی که به‌توسعه صادرات غیرنفتی و بهبود روند آن کمک نماید صورت پذیرفته است، هرچند هنوز به لحاظ ساختاری این بخش از اقتصاد کشور دارای مشکلاتی است که می‌بایست درصدد رفع آن برآمد اما به نظر می‌رسد که بسیاری از موانع فراروی صادرات برطرف گردیده است. اما در خصوص بخش واردات می‌توان به جرأت گفت که اقدامات لازم جهت هدفمندسازی و سمت و سو بخشیدن به آن صورت نگرفته بدیهی است کوتاهی و غفلت در این زمینه می‌تواند خسارات جبران‌ناپذیری را در پی داشته باشد. مهم‌ترین مواردی که مدیریت واردات را الزام‌آور می‌نماید به شرح ذیل می‌باشد:

- وابستگی واردات به درآمدهای نفتی و به همین سبب انتقال شوک‌های بین‌المللی در حوزه نفت به واردات کشور در نتیجه به تولید و مصرف

- تعمیق شکاف میان واردات و صادرات غیرنفتی که به معنای معطوف‌بودن واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای جهت تولید کالا و عرضه آن در بازار داخلی است. بنابراین چه واردات مربوط به کالاهای مصرفی باشد که به صورت مستقیم در بازار داخلی عرضه می‌گردد و چه معطوف به تولید کالاهایی باشد که جهت مصرف در داخل تولید می‌شود در هر دو حالت ادامه این وضعیت به معنای آسیب‌پذیری کشور در مقابل نوسان‌های بازار نفت و وابستگی کشور به درآمدهای نفتی خواهد بود. در حالی‌که در این خصوص شایان توجه است که اختلاف واردات و صادرات غیرنفتی از ۱۰/۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۹ به ۲۹/۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۸ رسیده است. اگر چنانچه واردات معطوف به تولیدات صادرات‌گرا بود با افزایش واردات صادرات غیرنفتی بطور چشمگیرتری افزایش پیدا می‌یافت.

- علاوه بر انحراف الگوی مصرف که ناشی از ورود کالاهای لوکس و تمایل به مصرف کالاهای خارجی به جای داخلی است آسیب‌های ایجادشده در بخش تولیدی کشور ناشی از سوء مدیریت واردات از دیگر دلایلی است که ضرورت واردات را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. واردات بی‌رویه کالاهای مصرفی و برخی عوامل که تولید مشابه آن در داخل تولید می‌شود سبب شده تا

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

برخی از بخش‌های تولیدی کشور به دلیل عدم توان رقابت با محصولات مشابه وارداتی از عرصه تولید خارج شوند.

- افزایش قاچاق کالا، منطقی‌نبودن نرخ‌های تعرفه برخی از کالاها باعث گردیده است تا قاچاق این کالاها در کشور به شدت افزایش یابد. در حال حاضر متأسفانه برخی برآوردها از رقم ۱۹ میلیارد دلار قاچاق کالا در کشور طی سال ۱۳۸۸ خبر می‌دهد که درخور اقدام جدی است.

- بیکاری ناشی از رکود ایجادشده در برخی بخش‌های تولیدی به سبب واردات بی‌رویه برخی از کالاها به کشور. مطابق آمار منتشرشده توسط گمرک آمار ایران نرخ بیکاری کشور در سال ۱۳۸۸ معادل ۱۱/۹ درصد بوده که نسبت به سال ۱۳۸۸ حدود ۱/۵ درصد افزایش نشان می‌دهد.

- افزایش روند کالاهای مصرفی در مقایسه با کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای که این به معنای انحراف از اهداف اولیه بکارگیری سیاست تسهیل تجارت می‌باشد. سهم کالاهای مصرفی از واردات کشور در سال ۱۳۸۸ به ۱۵/۳ درصد رسیده و در این سال در مجموع ۸/۵ میلیارد دلار کالای مصرفی وارد کشور شده است. در حالی که سهم کالای مصرفی در سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ به ترتیب ۱۴/۵، ۱۱ و ۱۲/۸ درصد بوده است.

- آسیب‌های ناشی از قیمت‌شکنی و دامپینگ و ضرورت اتخاذ سیاست‌های حفاظتی برای جلوگیری از واردات این کالاها.

## ۷. چگونگی تحقق اهداف مدیریت واردات

- بی‌شک برای تعدیل روند واردات کشور و همچنین هدفمندکردن و سمت‌دادن واردات در جهت تأمین نیازهای اساسی و ضروری و بکار انداختن چرخه تولید کشور و نیز حرکت به سمت تولیدات معطوف به صادرات می‌بایست واردات کشور به خوبی تنظیم و مدیریت شود. تجارت خارجی علیرغم مقررات وضع‌شده در سازمان جهانی تجارت که مبتنی بر آزادی مبادلات بازرگانی است هرگز بدون برنامه‌ریزی و کنترل و نظارت کشورها بی‌رویه و رها نیست بلکه آزادترین کشورها در این رابطه در جهت حفظ منافع خود روند واردات اقلام مختلف کالا را تحت نظارت و کنترل داشته و با استفاده از ابزارهای گوناگون به نحو مطلوبی بازرگانی خویش را مدیریت می‌کنند.

- کشور ما نیز به نوبه خود در صادرات به برخی کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت به ضرر خود با ایجاد ضوابط و موانع متعدد مواجه بوده است که ظاهراً آن کشورها از ابزار مجاز و توجیه‌پذیر خود در این موارد استفاده کرده‌اند. توجیهات مزبور البته از نظر دست‌اندرکاران تجارت

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

خارجی کشورمان مقبول نبوده است. پایین بودن تعرفه‌های بخش کشاورزی در مقایسه با تعرفه دیگر بخش‌ها همواره یکی از معضلات نظام تعرفه‌ای کشور بوده که موجب آسیب بخش کشاورزی گردیده است. ادامه این روند به تصویب قانون بهره‌وری کشاورزی بخش کشاورزی در سال ۱۳۸۹ انجامید که وضع تعرفه‌ها را به پیشنهاد وزارت جهاد کشاورزی موکول و امکان اعمال سیاست‌های غیرتعرفه‌ای در این بخش را نیز میسر می‌سازد یعنی شرایطی که بر خلاف روند سیاست‌های تجاری کشور می‌باشد.

- با توجه به این مطالب می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که مدیریت واردات لزوماً بکارگیری موانع غیرتعرفه‌ای و غیرفنی در مسیر ورود کالا نیست، اما می‌توان با بکارگیری شیوه‌های پذیرفته‌شده بین‌المللی و قوانین فعلی کشورمان واردات را به گونه‌ای مدیریت نماییم که به اهداف مثبت و توجیه‌پذیر دست یابیم. اکنون با پذیرش این موضوع که اعمال مدیریت بر طیف و نوسان‌های تجارت خارجی حق هر کشوری است و هر اقدامی که در این رابطه با رعایت چارچوب‌های پذیرفته‌شده بین‌المللی توجیه‌پذیر بوده و خلاف به حساب نمی‌آید. در شرایطی که ایران تحت فشار تحریم‌های خارجی قرار دارد و جنگ همه جانبه اقتصادی علیه کشور در جریان است، عضویت در سازمان تجارت جهانی و کاهش تعرفه‌ها به صورت عام یک بحث التقاطی محسوب می‌شود و اساساً استفاده از ابزار تعرفه برای کنترل واردات غیرضروری امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

## ۸. ابزار و اقدامات مورد توجه در مدیریت واردات

### ۸-۱. اعطاء تسهیلات بانکی متناسب با اهداف مدیریت واردات

به منظور جهت‌دادن به واردات کشور می‌توان تسهیلات بانکی را به سمت مورد نظر سوق داد و در این جریان منافع ملی و درآمدزایی را هدف قرار داد. به این ترتیب می‌توان تسهیلات بانکی را برای بخش صادرات افزایش داد تا واردات به جای رسوب در بازار داخلی به سمت تولیدات صادراتی جهت‌گیری شود.

روند تسهیلات اعطایی سیستم بانکی کشور در بخش صادرات طی سال‌های برنامه سوم و چهارم حاکی از بهره‌مندی ناچیز بخش صادرات از منابع بانکی کشور می‌باشد. به گونه‌ای که سهم صادرات از کل تسهیلات اعطایی سیستم بانکی در سال‌های برنامه چهارم تنها ۲ درصد بوده است که چنین روندی حاکی از عدم تمایل بانک‌ها به اعطاء تسهیلات به این بخش است. یکی از دلایل این امر، کاهش نرخ سود تسهیلات بخش صادرات بیش از سایر بخش‌ها می‌باشد و هر چند این

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

اقدام یک شیوه تشویقی محسوب می‌شود و با هدف ارائه تسهیلات بیشتر به این بخش ارائه گردید اما در عمل عامل بازدارنده‌ای در تأمین مالی صادرات بوده است و بازنگری در این روش باید مورد توجه قرار گیرد.

### ۸-۲. استفاده مناسب از نرخ تعرفه

یکی از بهترین ابزار در مدیریت واردات استفاده مناسب و مطلوب از نرخ‌های تعرفه است. از طریق افزایش یا کاهش نرخ‌های تعرفه می‌توان اهداف اقتصادی کشور را محقق ساخت. کاربرد نرخ تعرفه اهمیت بخش‌های اقتصادی را بازگو می‌نماید.

در این راستا تعیین نرخ‌های کمتر برای کالا و تجهیزات مورداستفاده در بخش تولیدی کالاهای اساسی و صنایع زیربنایی، تولیدات صادرات‌گرا و تعیین نرخ‌های تعرفه بیشتر برای کالاهای لوکس و غیرضروری و مصرفی می‌تواند مورد توجه و عمل قرار گیرد.

وجود نرخ‌های تعرفه پلکانی مطابق با ملاحظات اقتصادی و حتی سیاسی و تقویت و حمایت بخش‌های مورد نظر در تمام جوامع امروزی امری بسیار رایج و مورد عمل می‌باشد.

### ۸-۳. بازبینی ضوابط واردات در مقابل صادرات و ورود موقت

گاهی قوانین با توجیهات منطقی و در جهت تسهیل امور ایجاد می‌شوند، اما عملکرد آنها به گونه‌ای است که دارای بار منفی و آثار و تبعات نامطلوب است و این موضوع می‌تواند به اثر نکردن سیاست‌ها منتهی شود. واردات در مقابل صادرات یک شیوه تشویقی برای صادرات است اما باید بازخورد آن مورد توجه و بررسی قرار گیرد. اگر این شیوه تشویقی به واردات بی‌رویه که با انگیزه بهره‌گیری از حاشیه سود ناشی از واردات کالاهای مصرفی منجر شود چه بسا در نهایت حتی به زیان بخش صادرات باشد. بنابراین، مدیریت اینکه چه وارد شود و به چه بخشی تزریق شود حائز اهمیت فراوان است.

علاوه بر این، ورود موقت رویه‌ای است برای افزایش صادرات در حالی که ممکن است عدم مدیریت صحیح این شیوه نیز به رسوب واردات در بازار داخلی و بی‌تأثیر بودن در صادرات منتهی شود. بنابراین تعیین ضوابطی که این قوانین به همان صورت که قانونگذار انتظار دارد اجرا شود و نتیجه دهد ضروری و حیاتی است.

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

### ۸-۴. استفاده بهینه و مطلوب از مناطق آزاد تجاری – صنعتی

فلسفه وجودی مناطق آزاد تجاری - صنعتی کشور ایجاد فضایی فارغ از قوانین و مقررات محدودکننده تجاری و گمرکی برای تسهیل امور واردات و صادرات به منظور توسعه سرمایه‌گذاری و تولید و صادرات کالاهای صنعتی و تبدیلی است. مناطق آزاد از تسهیلات و امتیازات متعددی طبق قانون خاص خود برخوردار می‌باشند تا در محدوده‌های تعیین‌شده بتوانند با حضور فعال در بازارهای جهانی و منطقه‌ای موجبات رشد و توسعه اقتصادی کشور را فراهم نمایند، اما متأسفانه طی مدتی که این مناطق ایجاد شده‌اند عملکرد آنها گویای انحراف این مناطق از مسیری است که می‌بایست طی شود و مناطق مذکور نه تنها در توسعه تولید و صادرات نقشی نداشته‌اند بلکه عمدتاً به سکویی جهت واردات کالا به سرزمین اصلی تبدیل گردیده‌اند و اهداف اولیه از تشکیل آنها به هیچ وجه محقق نشده است، بنابراین در طرح مدیریت واردات بکارگیری این مناطق به عنوان ابزاری جهت توسعه تولید و صادرات و تغییر جریان انحرافی کنونی در این مناطق به سمت رسالت واقعی و لحاظ‌شده در قوانین خاص مناطق آزاد تجاری – صنعتی کشور حائز اهمیت فراوان است.

### ۸-۵. مدیریت و نظارت بر مبادی ورودی کشور اعم از گمرکات رسمی، بازارچه‌های مشترک مرزی و مبادی غیررسمی

استفاده از ابزار و تجهیزات پیشرفته در گمرکات رسمی کشور و توجه در بازرسی محمولات وارداتی و ترانزیتی برای جلوگیری از واردات بی‌رویه به کشور، جلوگیری از گسترش مبادی ورودی رسمی و در صورت لزوم ادغام گمرکات و حذف گمرکات غیرضروری، توجه و نظارت بر بازارچه‌های مشترک مرزی و قانونمند ساختن مبادلات از طریق این بازارچه‌ها و جلوگیری از افزایش آنها تا زمانی که که عملکرد مطلوبی حاصل نشده است، کنترل و نظارت دقیق بر مبادی غیررسمی و مبارزه جدی با قاچاق کالا و بکارگیری سیاست‌ها و اقدامات و راهکارهایی که انگیزه‌های قاچاق کالا را از میان برند حائز توجه است. در این خصوص هماهنگی دستگاه‌ها با گمرک کشور و نیروی انتظامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

### ۸-۶. مدیریت نرخ ارز

نرخ ارز یکی از عوامل اثرگذار بر واردات کشور و همچنین صادرات است در نتیجه مدیریت نرخ ارز می‌تواند یکی از روش‌های مدیریت واردات محسوب شود. پایین نگه‌داشتن نرخ ارز در شرایط تورمی سبب می‌شود کالاهای وارداتی بسیار ارزانتر و آسان‌تر از تولیدات داخلی در اختیار

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

مصرف‌کننده قرار گیرد آنچه طی سال‌های اخیر در خصوص اجناس ارزان‌قیمت چینی و کم‌کیفیت شاهد آن بودیم. در نتیجه واردات این قبیل کالاها به دلیل سودآوری بالا به صورت چشمگیری افزایش می‌یابد و حتی بسیاری از تولیدکنندگان با توقف تولید برخی به واردات این کالاها روی می‌آورند و می‌بایست توجه داشت که افزایش تعرفه این کالاها چاره مشکل نیست زیرا به دلیل وجود حاشیه سود بسیار زیاد در واردات این قبیل کالاها افزایش در نرخ تعرفه موجب گسترش قاچاق این کالاها خواهد شد به گسترش قاچاق خواهد انجامید. بنابراین مقاومت در برابر افزایش نرخ ارز به بهانه جلوگیری از کاهش ارزش پول ملی می‌تواند تبعاتی همچون افزایش چشمگیر و بی‌رویه واردات به کشور و تعطیلی صنایع تولیدی داشته باشد.

این موضوع در خصوص صادرات نیز مصداق دارد لذا پایین نگه‌داشتن نرخ ارز و عدم وجود تناسب میان نرخ ارز و نرخ تورم انگیزه صادرات را کاهش خواهد داد البته اگر واردات جهت رشد تولیدات صادراتی صورت گیرد این موضوع به نفع صادرکننده به دلیل تأمین کالاهای مورد نیاز وارداتی ارزانتر خواهد بود اما همان طور که پیش از این اشاره شد تعمیق شکاف میان واردات و صادرات غیرنفتی در سال‌های اخیر نشان‌دهنده آن است که چنین اتفاقاتی حاصل نشده است و واردات کالا معطوف به بازار داخلی بوده است. بنابراین تعدیل نرخ ارز با لحاظ تورم داخلی و جهانی و تفاوت این دو حائز اهمیت است.

علاوه بر موارد ذکر شده هماهنگی وزارتخانه‌ها در سازمان‌های تأثیرگذار در واردات از اقدامات حائز اهمیت در مدیریت واردات محسوب می‌شود که نظرات سازمان توسعه تجارت در این خصوص که در طرح مدیریت واردات آورده شده است قابل توجه است که در ذیل مورد اشاره قرار گرفته است.

## ۹. وزارتخانه‌ها و سازمان‌های تاثیرگذار در واردات

- گمرک ایران (وزارت امور اقتصادی و دارایی) بیشترین ارتباط موضوعی را با تجارت خارجی دارد. این دستگاه مسئول اجرای تمام سیاست‌ها و خط‌مشی‌های تجاری کشور است که در قالب قوانین، مصوبات، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها از سوی وزارت بازرگانی ابلاغ می‌شود. هر آنچه که در واردات، وزارت بازرگانی و سازمان توسعه تجارت عهده دارند صورت دفتری دارد که گمرک اجرا و تطبیق فیزیکی تمام آنها را عهده‌دار است. گمرک در قالب بخشنامه‌های داخلی خود به گمرکات سراسر کشور کیفیت و چگونگی اعمال مقررات گمرکی که با مقررات مرتبط بین‌المللی

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

در اصول هماهنگ است را تعیین می‌کند. مبادی ورودی، چگونگی تشریفات گمرکی، تعیین ارزش کالا، تعیین تعرفه ، امور ترانزیت خارجی و داخلی، فروشگاه‌های آزاد، مبادلات مرزنشینان، کالای همراه مسافر، مراسلات پستی، تخصصی نمودن گمرکات، انطباق کالاهای واردشده با مقررات و ضوابط فنی (به کمک دستگاه‌های مرتبط)، وصول حقوق ورودی و سایر حقوق دولت از جمله وظایف و مسئولیت‌های مهم گمرک ایران است که چگونگی اجرای آن تأثیر مستقیم و بلافاصله بر تجارت خارجی و مشخصاً واردات دارد.

از این رو، هماهنگی کامل و تنگاتنگ فعالیت‌های گمرک ایران با وزارت بازرگانی اجتناب‌ناپذیر است. در واقع بازخورد قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی و تصویب‌نامه‌های دولت در بخش تجارت خارجی را می‌بایست در گمرک ایران جستجو کرد. حسن اعمال مقررات مربوط در دریافت شفاف، واقعی و مطلوب این بازخوردها بسیار تأثیرگذار و عدم اجرای مناسب آن با اتخاذ تصمیمات داخلی و بخشنامه‌های ناهنجار در خنثی‌نمودن سیاست‌های تعیین‌شده و کاهش آثار مثبت آن نیز قابل توجه خواهد بود. در حال حاضر ارتباط بسیار نزدیکی به دلیل همین تاثیرات متقابل بین دو دستگاه وجود دارد.

### ۹-۱. اقدامات ممکن گمرک در تسهیل یا محدودیت واردات

- شدت و ضعف اخذ تضمین‌ها و وثایق
- کاهش یا افزایش تشریفات واردات
- پذیرش حداقل اسناد یا افزایش اسناد لازم برای تشریفات
- کاهش یا افزایش مبادی ورودی کالا
- تقسیط یا عدم تقسیط حقوق ورودی
- متروکه نمودن و یا موافقت یا تمدید مهلت‌ها
- مانور روی تخصصی کردن گمرکات

● بانک مرکزی در رسمی‌ترین یا مرسوم‌ترین شیوه‌های معمول تجاری بانک بعد از ثبت سفارش دستگاه بالافصل واردات کشور است. بانک وظایف متعددی را عهده‌دار است که بخشی در ارتباط با بازرگانی خارجی و اعتبارات مربوط است. اعطاء تسهیلات، دریافت ودیعه‌ها، پیش‌دریافت‌ها، تسهیلات و تضییقات در نوع اعتبارات، معاملات یوزانس و غیره از جمله امور مرتبط با تجارت است که چگونگی تصمیمات مرتبط با آن در تسهیل فرایند واردات یا تضییق آن تا قفل کامل امور

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

آن بسیار تأثیرگذار است. به همین جهت هماهنگی بانک مرکزی و وزارت بازرگانی و تعامل و تعاطی افکار آنها در زمینه بازرگانی خارجی مهم و قابل‌توجه می‌باشد.

- وزارت صنایع و معادن که متولی بخش تولیدات صنعتی کشور بوده و تأمین ماشین‌آلات، قطعات، مواد اولیه و سایر کالاهای موردنیاز بخش تولید در جهت حمایت از صاحبان صنایع و کسب و حفظ بازار فروش و سایر امور مربوط با امور بازرگانی آنها را مدنظر دارد و روند آن را دائم تعقیب می‌نماید. این ارتباط قوی در بسیاری از کشورها منجر به تمرکز فعالیت‌های بازرگانی و صنعتی در یک وزارتخانه شده است.

- وزارت جهاد کشاورزی که این وزارت هم از لحاظ محصولات کشاورزی و هم از لحاظ اعمال ضوابط فنی در بهداشت دام و طیور و حفظ نباتات و قرنطینه‌های مربوط در امور تجاری بسیاری تأثیرگذار است.

- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی که وظایفی مشابه وزارت صنایع و معادن در حمایت از تولیدات داخلی دارد، اما وظیفه‌ای بسیار پررنگ‌تر در تهیه و تأمین و در نهایت تنظیم بازار داخلی دارد و تجهیزات پزشکی عهده‌دار بوده و مسئول کنترل‌ها و اعمال ضوابط فنی در مواد غذایی، آشامیدنی‌ها و اقلام بهداشتی نیز می‌باشد.

- مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی در خصوص اعمال استانداردها و نظارت بر حسن اجرای آنها

- مرکز امور اصناف و بازرگانان سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و سازمان توسعه تجارت ایران که از سازمان‌های تابعه وزارت بازرگانی می‌باشند نقش قابل توجهی در بخش تجارت خارجی ایفا می‌نمایند.

- وزارت راه و ترابری در مقوله حمل و نقل و ترانزیت کالا و امور مربوط

- ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق و ارز که تصمیمات رئیس ستاد در حکم تصمیمات دولت بوده و به همان اندازه دارای ضمانت اجرایی است. توفیق ستاد در کنترل قاچاق در بازخورد مناسب از مقررات تجاری در کشور بسیار مفید خواهد بود. قاچاق کالا خنثی‌کننده تدابیر اتخاذ شده در بازرگانی خارجی است. لذا در مدیریت واردات می‌بایست قاچاق کالا و چگونگی برخورد با آن با دقت مورد رصد قرار گیرد.

- وزارت ارشاد در مقوله کاغذ، نشریات، فیلم، اسلاید، CD و سایر امور مربوط که متولی ضوابط فنی در اینگونه امور بوده و کنترل‌های فرهنگی را عهده‌دار است.

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

- وزارت کشور، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان انرژی اتمی و وزارت دفاع نیز از جمله دستگاه‌های تأثیرگذار بر بازرگانی خارجی می‌باشند که نقش آنها حسب مورد بوده و نسبت به سایر دستگاه‌های پیش‌گفته نقشی کمرنگ‌تر دارند.
- کمیته ماده یک (آیین‌نامه اجرایی ماده مقررات صادرات و واردات)
- تشکل‌های وارداتی

## ۱۰. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

روند رو به رشد واردات کالا به کشور به ویژه واردات کالای مصرفی و نیز واردات برخی عوامل توسعه که مشابه آن در داخل تولید می‌شود با تشدید مشکلات بخش واقعی در ایران همراه شده و بخشی از کم رشدی اقتصاد کشور را می‌بایست در آن جستجو کرد.

در عین حال تعمیق شکاف میان واردات و صادرات غیرنفتی که به معنای معطوف‌بودن واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای به تولید کالا و عرضه در بازار داخلی است، آسیب‌پذیری کشور را از نوسان‌های بازار نفت بیشتر کرده و انتقال شوک‌های بین‌المللی در حوزه نفت به بخش‌های واقعی اقتصاد بیش از پیش اقتصاد داخلی را دچار اختلال خواهد کرد.

رفع مشکلات ایجادشده و رهایی از آسیب‌های ناشی از این جریان نیازمند مدیریت دقیق جریان ورود کالاهای مصرفی و کنترل آن بوده و همچنین و واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای نیز می‌بایست به گونه‌ای جهت‌دهی شوند تا تولیدات صادرات‌گرا در اولویت قرار گیرند.

در همین راستا بکارگیری ابزار تعرفه‌ای، جهت بخشیدن به تسهیلات بانکی به سمت بخش صادراتی و مبارزه با قاچاق کالا و ... ضروری است. به علاوه از نقطه‌نظر اجرایی چگونگی بکارگیری ابزار و اقدامات حائز اهمیت است، از آنجا که مدیریت تجارت صرفاً یک مقوله مرتبط با وزارت بازرگانی نیست تعیین وظایف و نقش هر یک از دستگاه‌ها در این زمینه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

هر چند وزارت بازرگانی متولی امور تجارت و بازرگانی کشور است، اما انجام امور مرتبط با بخش بازرگانی کشور بسیار گسترده است و با توجه به اینکه سیاست‌های تجاری کشور منتزع از سایر سیاست‌های اقتصادی کشور نیست به منظور تحقق اهداف پیش‌بینی‌شده می‌بایست سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها که به هر نحوی بر امور تجاری تأثیرگذار هستند با وزارت بازرگانی هماهنگ شوند. در این راستا به نظر می‌رسد گمرک ایران مسئول اجرای کلیه سیاست‌ها و

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

خط‌مشی‌های تجاری کشور بوده و عملکرد این سازمان تأثیر مستقیم بر نحوه اجرای قوانین و بخش‌نامه‌ها و مصوبات و آیین‌نامه‌ها دارد. بانک مرکزی با توجه به ارتباط داشتن با مراحل ثبت سفارش و اعطای تسهیلات، دریافت وثایق و... می‌تواند در تسهیل امور واردات یا تفییق آن تأثیرگذار باشد، وزارت صنایع و معادن به عنوان متولی بخش تولیدات صنعتی کشور می‌تواند در مدیریت واردات کالاهای مورد نیاز این بخش کمک مؤثری نماید. وزارت جهاد کشاورزی در اعمال ضوابط فنی و بهداشتی بخش کشاورزی نقش بسزایی دارد. وزارت راه و ترابری در مقوله حمل و نقل و ترانزیت کالا و مرکز امور اصناف و بازرگانان می‌تواند به عنوان حافظ منافع مصرف‌کننده و تولیدکننده در مدیریت تجارت خارجی کشور همراهی نماید.

## پیوست ۱. خلاصه طرح مدیریت واردات سازمان توسعه تجارت

این طرح شامل موارد زیر است:

- هدف‌گذاری (تعیین هدف و آرمان‌های مشخص)
- برنامه‌ریزی (مشخص کردن اقدامات عمل و تعیین وظایف)
- مقررات‌گذاری
- سازماندهی و پشتیبانی (تعیین نهاد مدیریت و ابزارهای در اختیار آن)
- هماهنگی برون سازمانی
- کنترل و پایش (سنجش چگونگی تحقق اهداف و آرمان‌های تعیین‌شده)
- اصلاح و اقدام (متغیر در هر یک از ۶ زیرسیستم فوق)

مهم‌ترین اهداف این طرح به صورتی که در ذیل بیان می‌گردد تعیین شده است:

- حمایت از تولیدات داخلی (ترکیب واردات)
- تنظیم بازار داخلی ماشین‌آلات، مواد اولیه و سایر اقلام واسطه‌ای مورد نیاز واحدهای تولیدی
- جلوگیری از کاهش سطح اشتغال
- تنظیم بازار داخلی کالاهای مصرفی
- اعمال الگوی مصرف مناسب
- تسهیل تجارت خارجی
- کاهش سهم واردات اقلام غیرضروری

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

- وحدت مدیریت در واردات
- حمایت از مصرف‌کننده
- کمک به تحقق درآمدهای دولت
- تعدیل میزان واردات متناسب با درآمدهای ارزی
- ارتقاء نسبت به درآمد حاصل از صادرات غیرنفتی به کل واردات
- کاهش نسبت کالاهای مصرفی نسبت به کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای
- تنظیم تراز بازرگانی و بهبود نسبت واردات به صادرات
- اعمال سیاست‌های موردنظر دولت مانند برخی محدودیت‌ها
- مقابله، قیمت‌شکنی و اتخاذ سیاست‌های حفاظتی و برخورد متقابل
- کاهش قاچاق کالا
- حسن اجرای قوانین و مصوبات مجلس شورای اسلامی و دولت
- افزایش بهره‌وری در بنگاه‌ها
- تقویت بخش خصوصی و خصوصی‌سازی واردات
- پشتیبانی از صادرات
- جلوگیری از انحصار در واردات

## پیوست ۲. منشور مدیریت واردات

با الهام از سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و در اجرای اهداف پیش‌بینی‌شده در برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی برای حفظ منافع ملی و ارتقاء سطح اشتغال و تولید و حمایت از صاحبان صنایع و توجه به حقوق مصرف‌کنندگان، با رعایت ارزش‌های منظورشده در نظام مقدس جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور و استفاده حداکثری از بخش خصوصی و پرهیز از تصدی‌گری دولت در بخش اقتصادی و تجاری مراتب زیر در مدیریت واردات کشور قویاً مورد توجه قرار می‌گیرد:

۱. گرایش بیش از پیش به استفاده از محصولات داخلی و حمایت منطقی از صاحبان صنایع در مقابل رقبای خارجی

۲. توجه به حقوق مصرف‌کنندگان در دسترسی و تأمین نیازمندی‌های خود با قیمت و کیفیت مطلوب

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

۳. رعایت مقررات بین‌المللی پذیرفته‌شده با رعایت و حفظ و ارتقاء منافع ملی به منظور حضور بیش از پیش در بازار جهانی و کسب موقعیت تجاری بهتر

۴. هموارسازی و پیوستن به انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مربوط

۵. انعقاد موافقتنامه‌های تجاری و برقراری تجارت آزاد یا تعرفه‌های ترجیحی

۶. تنظیم واردات به گونه‌ای که تراز بازرگانی مثبت یا متعادل با کشورهای طرف معامله به صورت جمعی و یا حتی الامکان انفرادی حاصل آید.

۷. روان‌سازی و تسهیل تشریفات تجاری

۸. افزایش تعداد رایزن‌های بازرگانی و کسب اطلاعات و استفاده بهینه و کاربردی از آنها در معاملات تجاری

۹. تعامل پویا و کارآمد اطلاعات تجاری با رایزنها و سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی در سایر کشورها

۱۰.به روز نگهداشتن اطلاعات مربوط به چگونگی اقدامات احتمالی و مضر علیه تجارت کشور و برخورد متقابل، درخور و به موقع در رفتار غیرمتعارف و غیرقانوی تجاری

۱۱.ارتقاء سطح آگاهی صاحبان صنایع و بازرگانان از رقابت‌های غیرمنصفانه و قیمت‌شکنی‌های غیرعادلانه (دامپینگ)، اختیارات قانونی برخورد با آنها و اقدامات حفاظتی ممکن در کشور به منظور حمایت منطقی از تولیدات داخلی

۱۲.اتخاذ تدابیر لازم در برخورد اقتصادی با پدیده قاچاق کالا که سیاست‌های اتخاذشده تجاری را با آثار سوء خود خنثی می‌سازد.

۱۳.پرهیز از اتخاذ هرگونه روش و خط‌مشی تجاری که موجب گردش امور به سمت و سوی دولت و افزایش تصدی‌گری آن می‌شود. همچنین دوری گزیدن از هرگونه تصمیم و اتخاذ روش‌های اجرایی رانت‌زا

۱۴.جلوگیری از برقراری هرگونه مانع غیرتعرفه‌ای و غیرفنی و استفاده منطقی از ابزار تعرفه در تنظیم واردات

۱۵.کنترل کیفیت و سلامت و بهداشت کالا با استفاده بهینه از ظرفیت‌های قانونی موجود بدون اعمال سلیقه های تجاری دستگاه‌ها و عوامل اجرایی

۱۶. اتخاذ راهکارهای متناسب و مطلوب در تحقق اهداف منظور در چشم‌انداز ۲۰ ساله و آرمان‌های منظور در برنامه توسعه اقتصادی چهارم و پیشنهادی پنجم

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

۱۷.حمایت مؤثر از شکل‌گیری و فعالیت تشکل‌های وارداتی

۱۸.جلب همکاری و هماهنگی وزارتخانه‌ها و دستگاه‌هایی که مقررات و تصمیمات آنها دارای نتایج مستقیم و مؤثر در تجارت خارجی است.

۱۹.گردآوری اطلاعات بازار و به روز نگهداشتن قیمت کالاهای مورد معامله و انتشار آن برای دست‌اندرکاران تجاری

۲۰.تسهیل فعالیت‌های وارداتی مؤثر در تولید و صادرات

۲۱.ارتقاء سهم کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای در اقلام وارداتی و کاهش نسبت کالاهای مصرفی بخصوص اقلام مغایر با الگوی مصرف منطقی جامعه و کالای لوکس و غیرضرور

۲۲.بازارشناسی و معرفی بهترین‌ها در جهت منافع بازرگانان برای انتخاب برترین‌ها با جلب همکاری مؤثر اتاق‌های بازرگانی و تشکل‌های تجاری

۲۳.رعایت اعتدال بین درآمدهای ارزی و مصارف ارزی کشور و ارتقاء نسبت صادرات غیرنفتی به واردات کشور

۲۴.شناسایی ابزار قانونی و موجه تنظیم واردات و میزان تأثیر هر کدام بر میزان واردات و استفاده متناسب و به موقع از آنها

۲۵.تنظیم بازار داخلی با استفاده مناسب از ابزار مدیریت واردات

## منابع


الحسینی، محمدصادق (۱۳۸۸)،"جایگزینی واردات سیاستی شکست‌خورده"، *روزنامه دنیای اقتصادی*.

بهکیش، محمدمهدی (۱۳۸۰)، *اقتصاد ایران در بستر جهانی‌شدن*، تهران: نشر نی.

حسینی، سیدعباس (۱۳۸۸)،"طرح مطالعاتی مدیریت واردات"، سازمان توسعه و تجارت.

قانون برنامه سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۷۳)، *اقتصاد رشد و توسعه*، تهران: نشر نی.

مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (۱۳۸۵)، اولویت‌بندی صنایع ایران براساس رقابت‌پذیری در بازارهای جهانی با هدف منطقی‌نمودن سیاست‌های حمایتی تجاری.

گمرک جمهوری اسلامی ایران(۱۳۸۸-۱۳۷۹)، سالنامه آمار بازرگانی خارجی.


[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]